

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

این‌ها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید!». (حشر/۲۱)

تقدیم به:

سیدالشهدا  و یاران وفادارش

نخاستان مَثَل

تمثیلات و تشبیهاتی از اهل بیت علیهم السلام

رحمت پوریزدی

سرشناسه: پوریزدی، رحمت، ۱۳۶۵-
 عنوان و نام پدیدآور: نخلستان مثل: تمثیلات و تشبیهاتی از اهل بیت / رحمت پوریزدی.
 مشخصات نشر: کرمان: مهرتا، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۵۴ ص.
 شابک: 8-92-9743-622-978
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: احادیث -- تمثیل ها
 موضوع: Allegories -- *Hadith
 موضوع: چهارده معصوم -- احادیث
 موضوع: *Hadiths -- Fourteen Innocents of Shiite
 موضوع: ضرب المثل های فارسی -- شعر
 موضوع: Proverbs, Persian -- Poetry
 موضوع: ضرب المثل های فارسی -- شعر
 موضوع: Proverbs, Persian -- Poetry
 رده بندی کنگره: BP۱۱۲/۸
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۱۵۹۱



نخلستان مثل

تمثیلات و تشبیهاتی از اهل بیت علیهم السلام

رحمت پوریزدی

طراح جلد: محمد علی خانی

صفحه آرا: سید رضا حسینی

مدیر هنری و اجرایی انتشارات: محمد مهدی کاربخش راوری

قطع: رقعی /

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: مهرتا

کرمان، بلوار کشاورز، نبش کوچه ۹، مجتمع تجاری اداری فولاد(افق)، طبقه دوم، واحد ۲۲، تلفن

۰۳۴-۳۲۱۲۵۷۹۱

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص می باشد.

شابک: 8-2-97439-622-978

قیمت:

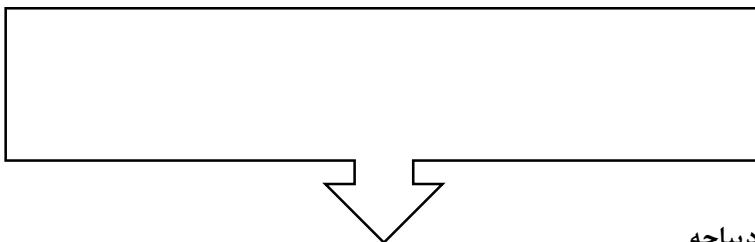
فهرست مطالب

۹ دیباچه
۱۳ دانشمند و درخت نخل
۱۴ مؤمن و نخل
۱۴ شیعیان و زنبور عسل
۱۵ مردی که دو زن دارد
۱۵ استغفار و برگ درخت
۱۶ دین و درخت
۱۷ دنیا و لباس پاره
۱۸ مؤمن و دو دست
۱۸ فرزندان خالف و انگشت زائد
۱۸ حریص و کرم ابریشم
۱۹ بنی آدم اعضای یکدیگر
۲۰ دانشمند و چراغ

- دعا و تیرانداز ۲۱
- کودکی و دانش ۲۱
- دانشمند و گنج ۲۳
- مؤمن و عطر فروش ۲۳
- هم نشین و عطار ۲۳
- دانشمند و سنگ ۲۴
- دنیا و سایه ۲۴
- منافق و حنظل ۲۵
- عقل و چراغ ۲۵
- تکروی و گرگ ۲۶
- انفاق و ساقه گندم ۲۶
- ریا و سنگ صاف ۲۷
- مردم و معدن ۲۸
- زنگار قلب ۲۸
- امربه معروف و قطره دریا ۲۹
- صدقه و نمک ۳۰
- تہمت و نمک ۳۰
- غریبال و سخن ۳۱
- دارو و صابون ۳۱
- دانشمند و کشتی شکسته ۳۲
- درخت بدون میوه ۳۲
- دروغگو و سراب ۳۳
- شرور و شمشیر ۳۳
- قلب و زراعت ۳۴
- برتری ماه شب چهارده بر ستاره شہی ۳۴

- ۳۵..... عبادت و شن زار
- ۳۵..... تخته سنگ و مگس
- ۳۶..... ادب و باران
- ۳۶..... هم نشین بد و باد
- ۳۶..... هم نشین بد و مسافر دریا
- ۳۷..... علم و داروی بی اثر
- ۳۹..... زنده در میان مردگان
- ۳۹..... قلب نوجوان و زمین خالی
- ۳۹..... دنیا و آب شور دریا
- ۴۰..... هم نشین و وصله
- ۴۰..... مانند آفتاب و ماه
- ۴۱..... سخن و شمشیر
- ۴۱..... انسان و ظرف سفالی
- ۴۲..... دارو و کشنده
- ۴۳..... سخن و هیزم در شب
- ۴۳..... عبادت و الاغ آسیاب
- ۴۳..... مؤمن و آب سرد
- ۴۴..... مؤمن و ساختمان
- ۴۴..... مؤمن و آینه
- ۴۷..... مَثَل‌هایی از پارسیان
- ۴۹..... مثل پنجه آفتاب
- ۴۹..... مثل آبی که روی آتش بریزند
- ۴۹..... مثل اجل مُعَلَّق
- ۴۹..... مثل اینکه پی آتش آمده
- ۵۰..... مثل آب و آتش

- ۵۰..... مثل جن و بسم الله.
- ۵۰..... مثل سیبی که از وسط نصف شده.
- ۵۰..... مثل شیر مادر، پاک و حلال.
- ۵۰..... مثل قالی کرمان است؛ هر چه پا بخورد، بهتر می شود.
- ۵۱..... مثل کبک سرش را زیر برف کرده!
- ۵۱..... مثل کشتی بی لنگر می ماند!
- مثل ماست مختار السلطنه است، نگاه کنی ماست است؛ بخری دوغ است؛ بخوری آب است.
- ۵۱.....
- ۵۱..... مثل مار خوش خط و خال.
- ۵۱..... مثل شیر و شکر.
- ۵۱..... مثل مرغ سرکنده.
- ۵۲..... مثل بازار شام.
- ۵۲..... مثل بازار مسگرها.
- ۵۲..... مثل بند ثُبان کوتاه است تا ول کنی در می رود.
- ۵۲..... مثل پیاز هفت پوست دارد.
- ۵۲..... مثل سرکه هفت ساله.
- ۵۲..... مثل سیب زمینی.
- ۵۳..... مثل ریگ تَه جوی است.
- ۵۳..... مثل سوزن در انبار کاه!
- ۵۳..... در مَثَل مناقشه نیست.
- ۵۴..... کتاب نامه.



دیباچه

وه! چه مثال‌های بجا و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشیند و در گوش‌های شنوا جای گیرد و با اندیشه‌ای مصمم و عقل‌های باتدبیر برخورد کند.^۱

در این دفتر کوچک گلبرگی از تمثیلات و تشبیهات اهل بیت علیهم‌السلام را گردآوری و توضیح داده‌ایم. به امید آنکه راه تفکر و تعقل برایمان هموار شود و مسیر سبز هدایت و سعادت را به‌سادگی طی کنیم.

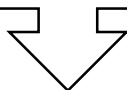
«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی!».

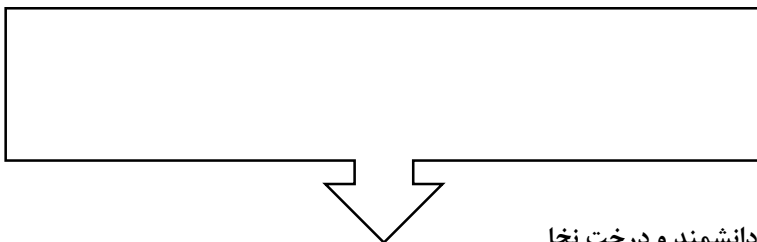
بقره/۱۲۷.

محرم/۱۳۹۹

ryazdi1395@gmail.com

تمثیلات و تشییمات از اهل بیت علیهم السلام





دانشمند و درخت نخل

امام علی (علیه السلام): مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ يَنْتَظِرُ بِهَا مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ؛

مَثَلُ دانشمند همچون درخت نخلی است که باید به انتظار بنشیند تا چیزی از آن بر تو فروافتد.^۱

نخست استاد باید آنگهی کار^۲

بود هر کار بی استاد دشوار

اگر عالم، خود سخنی گوید، پخته‌تر است از آنچه در جواب سؤال تو گوید، مانند درخت میوه که اگر از آن، میوه خود فرود آید، پخته‌تر خواهد بود و اگر تو چینی، خام و پخته درهم است و در راه تحصیل علم و دانش باید صبوری نمود و نباید عجولانه استاد خود را عوض کرد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۷.

۲. دوازده هزار ضرب المثل فارسی، ص ۹۹۰.

مؤمن و نخل

رسول خدا ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ النَّخْلَةِ، مَا أَخَذَتْ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ نَفَعَكَ؛ انسان باایمان همانند درخت نخل است که هر چیزی از آن برگیری مفید و سودمند است.^۱

شباهت‌های شگفت‌انگیز نخل با انسان.

نخل در ۱۶ سالگی بالغ می‌شود و ثمر می‌دهد.

واحد شمارش نخل «نفر» است.

اصطلاح «کُشتن»، برای قطع درخت نخل به کار می‌رود.

برای قطع درخت نخل حتماً باید «سر» آن را قطع کنند.

اگر چوب درخت نخل را بسوزانیم «زغال» ندارد.

اگر زیرآب رود «خفه» می‌شود.

درختی عاشق است. نخل‌ها عاشق یکدیگر می‌شود.

شیعیان و زنبور عسل

امام علی (ع): إِنَّمَا مَثَلُ شِيعَتِنَا مَثَلُ النَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَضِعُّهَا وَ لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعْلَمُ مَا فِي أَجْوَاهِهَا مِنَ الْبَرَكَةِ لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ؛

مَثَل شیعیان ما همچون زنبور عسل در میان پرندگان است، هیچ پرندۀ‌ای نیست مگر آن‌که او

را حقیر می‌شمارد؛ اما اگر پرندگان می‌دانستند که چه برکاتی در شکم او نهفته است با او چنین

رفتار نمی‌کردند.^۲

۱. نهج الفصاحه، ج ۲۷۲۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۷۵.

عظمت و بزرگی چیزی به قد و قامت و شکل ظاهری نیست. بلکه به سود و منفعت رساندن آن است.

مردی که دو زن دارد

امام علی علیه السلام: **إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا اسْخَطَ الْأُخْرَى؛**
مثل دنیا و آخرت مثل مردی است که دو زن دارد زمانی که یکی را راضی کند دیگری خشمگین می‌شود.^۱

نمی‌توانیم هم دنیا را و هم آخرت را بخواهیم. ولیکن می‌توانیم دنیا را برای آخرت بخواهیم و دنیا را وسیله و پلی قرار دهیم برای رسیدن به آخرت. نمی‌توانیم این ثروت اندک دنیا را با خود به آخرت حمل کنیم ولیکن می‌توانیم چندین برابر آن را به آخرت از پیش بفرستیم به شرطی که با آن دلی را به دست آورده، گرسنه‌ای را سیر کرده، برهنه‌ای را پوشانده، دل شکسته‌ای را امیدوار و شاد کرده، مدرسه‌ای را آباد کرده... پس سفره محبت، مهربانی و بخشنده‌گی را در دنیا پهن کنیم تا در آخرت مهمان بی‌کران لطف خدای مهربان باشیم.

استغفار و برگ درخت

امام رضا علیه السلام: **مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تَحْرُكُ فَيَنْتَازِرُ؛**
مثل استغفار (و توبه به درگاه خداوند) همچون برگ روی درخت است که چون درخت تکانی می‌خورد برگ‌ها می‌ریزند و پراکنده می‌شوند.^۲

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ج ۲۴۷۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۴.

استغفار و توبه باعث ریزش گناہان می‌شود؛ و ناگفته پیداست که استغفار چهار مرحله دارد: قلب، زبان، عمل، عدم بازگشت به گناہ.

قلیم دیگر نمی‌خواهد گناہ کند؛ زبانم به ذکر استغفار و یاد خدا آشنا می‌شود؛ عملم حق الناس را جبران می‌کند و دیگر به جادہ لرزان گناہ برنمی‌گردد.

این درگہ ما درگہ نومیدی نیست صدبار اگر توبہ شکستی باز آ

دین و درخت

رسول خدا ﷺ: إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ نَابِتَةٍ^۱ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا وَ الصَّلَاةُ عَرْوُهَا وَ الزَّكَاةُ مَأْوَاهَا وَ الصَّوْمُ سَعْفُهَا وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُّهَا وَ الْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ثَمَرُهَا فَلَا تَكْمُلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمُلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ؛

مثل این دین همچون مثل درخت ثابت بوده که ایمان پایه آن و نماز ریشه‌هایش و زکات آبش و روزه شاخه‌هایش و حسن خلق برگ‌های آن و خودداری از محارم میوه‌اش می‌باشد و همان‌طوری که درخت کامل نمی‌شود مگر با میوه همان‌طور ایمان کامل نمی‌گردد مگر با نگهداری از محارم.^۲

انسان بی‌ایمان و بی‌عمل همانند درخت خشک و بی‌ثمره است. انسان باایمان و با عمل همانند درختان سرسبز همیشه پرتراوت و پرثمر است و همواره در حال رشد و شکوفایی است.

۱. ابوالخیر.

۲. در برخی نسخه‌ها «نابتة» به معنی رشد، نمو و پرورش است.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۹.

دنیا و مار زیبا

امام کاظم (علیه السلام): إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسَّهَا لَيْئٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْدَرُهَا الرَّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيَّانُ بِأَيْدِيهِمْ؛

مثل دنیا همچون مار است که ظاهر آن و تماس با آن نرم است ولی درون آن زهر کشنده است. مردان عاقل از آن حذر می کنند ولی بچه ها به سوی آن دست دراز می کنند.^۱ دنیا ظاهری زیبا و فریبنده و باطنی خطرناک دارد و کسانی را به خود جذب و شیفته می کند که همچون کودکان بی توجه و ناآگاه از عواقب کارند.

دنیا همه هیچ و کار دنیا همه هیچ ای هیچ! ز بهر هیچ در هیچ میبچ^۲

دنیا و لباس پاره

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ ثَوْبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَتَعَلَّقَ بِخَيْطٍ مِنْهَا فَمَا لَبِثَ ذَلِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ؛

مثل دنیا نسبت به آخرت، همانند لباسی است که از اول تا آخرش پاره شده و به نخِ آویزان شده و چیزی نمانده که آن نخ نیز قطع شود.^۳

دنیا اعتباری ندارد و قابل اعتماد نیست خطرات چنان انسان را احاطه کرده است که از فردای خود بی خبر است پس دل بستن به آن و غفلت از مرگ و زندگی پس از مرگ عاقلانه نیست.

۱. تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص ۳۹۶.

۲. جامی.

۳. کنز العمال، ح ۶۳۰۱.

مؤمن و دو دست

رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَ أَخِيهِ كَمَثَلِ الْكَفَيْنِ يَنْقَى أَحَدُهُمَا الْآخَرَ؛

مثل مؤمن و برادرش مثل دو دست است که یکی دیگری را می شوید و پاک می کند.^۱
 هر انسان مؤمن باید تلاش کند که عیوب و اوصاف ناپسند را از برادر مؤمنش بزداید و او را پیراسته از آلودگی‌ها کند؛ و دوستان حقیقی عیب‌های یکدیگر را پاک می کنند

فرزند ناخلف و انگشت زائد

منسوب به امام علی علیه السلام: الْوَلَدُ الْعَاقِ كَالْإِصْبَعِ الزَّائِدَةِ إِنْ تَرَكْتَ شَأْنَتْ وَ إِنْ قَطَعْتَ أَلَمْتَ؛

فرزند نافرمان همانند انگشت زیادی است که اگر آن را وانهی عیب است و اگر بریده شود سبب درد می شود.^۲

انسان اگر فرزند ناشایست خود را از خود دور کند مایه غم و غصه است و اگر به حال خودش رها کند مایه آبروریزی و خجالت است.

زنان باردار ای مرد هشیار	اگر وقت ولادت مار زایند
از آن بهتر به نزدیک خردمند	که فرزندان ناهموار زایند ^۳

حریص و کرم ابریشم

امام باقر علیه السلام: مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةٍ الْفَرِّ كُلَّمَا اِزْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا؛

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۲۴.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۴۲۷.

۳. سعدی.

حریص بر دنیا همچون کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر اطراف خود تا ر می‌تند او را از بیرون آمدن بازمی‌دارد تا این که از غصه بمیرد.^۱

طمع را سه حرف بی نُقْط ایجاد کردند
نُقْط را شرم می‌آید که برگرد طمع گردد^۲
برخی بنی‌بشر حریص گمان می‌کنند که تمام گره‌های دنیا با دندان تیز حرص به مال باز می‌شود. حال آنکه سخت در گِل مانده‌اند؛ چراکه هر چه بیشتر به دنبال آن باشند گره‌های زندگی بیشتر و محکم‌تر می‌گردد و در این باتلاق بی‌پایان فرو می‌رود. پایانی برای این حریص نیست جز مرگ و تنهائی قبر.

بنی آدم اعضای یکدیگر

امام باقر علیه السلام: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى؛

مثل مؤمنین در دوستی و رحمت و عطوفت ورزیدن به یکدیگر، همانند يك پیکر است هنگامی که عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بیداری و تب با آن هم ناله می‌شوند.^۳
بنی‌آدم اعضای یکدیگر
که در آفرینش زی یک گوهرند
چه عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. لا ادری.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۴.

۴. سعدی.

دانشمند و چراغ

رسول خدا ﷺ: مَثَلُ الَّذِي يَعْلَمُ الْخَيْرَ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ مَثَلُ السَّرَّاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ؛

دانشمند بی عمل همانند چراغی است که به دیگران نور می افشاند و خود را می سوزاند.^۱

علم داری و عمل نه دان که خری
بارِ گوهر بری و کاه خوری^۲

علم به ما روشنایی و توانایی می بخشد و ایمان عشق و امید.

علم ابزار می سازد و ایمان مقصد.

علم سرعت می دهد و ایمان جهت.

علم توانستن است و ایمان خوب خواستن.

علم می نماید که چه هست و ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد.

علم انقلاب بیرون است و ایمان انقلاب درون.

علم جهان را جهان آدمی می کند و ایمان روان را روان آدمی می سازد.

علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می برد.

علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز.

علم به انسان نیروی منفصل می دهد و ایمان نیروی متصل.

علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح.

علم امنیت بیرونی می دهد و ایمان امنیت درونی.

علم جهان را با انسان سازگار می کند و ایمان انسان را با خودش.

علم ضامن شناخت بهتر تکوین است و ایمان ضامن آگاهی عمیق از تشریع است.

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. سنائی.

علم از هست ها در قلمرو محسوسات سخن می گوید و ایمان از هست ها در قلمرو کل هستی.

علم از بودها گفتگو می کند و دین از بایدها.^۱

دعا و تیرانداز

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ كَمَثَلِ الَّذِي يَرْمِي بِغَيْرِ قَوْسٍ؛

مثل آن کسی که دعا می کند ولی در راه رسیدن به خواسته اش تلاش نمی کند مثل کسی است که از کمان بدون زه تیراندازی کند.^۲

انسان های موفق اهل عمل و امید و دعا هستند ولیکن انسان های تنبل و بی اراده تنها دست به دعا دارند و اهل تلاش و همت و پشتکار نیستند. به قول معروف از تو حرکت از خدا برکت.

نیک وردی را تو از برکرده ای لیک، سوراخ دعا گم کرده ای^۳

کودکی و دانش

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صَغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛

مثل کسی که در کودکی علم فراگیرد، چون نقش بر روی سنگ باشد و کسی که در بزرگی دانش آموزد همچون نوشتن بر آب باشد^۴

۱. شهید مطهری، انسان و ایمان، ص ۳۰.

۲. تحف العقول، ص ۱۱.

۳. شیخ بهائی.

۴. منیه المرید، ص ۲۲۵.

هر کس در سنین پایین‌تر به تحصیل علم و دانش تلاش کنند این دانش برای او ماندگارتر است. ولكن دانش آموختن در سن بزرگی به سرعت از حافظه پاک می‌شود و ماندگاری زیادی ندارد.

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را^۱

اهل بیت علیه السلام و کشتی نوح

رسول خدا ﷺ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح است، هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر که تخلف ورزد غرق گردد.^۲

هر کس همراه اهل بیت علیه السلام باشد نجات یافته است و هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی کند هلاک می‌شود. ناگفته پیداست که تنها عشق و علاقه به اهل بیت علیه السلام کافی نیست بلکه این پیوند و علاقه باید در گفتار و رفتار نمایان شود.

در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که در زبان و سخن ادعای پیروی از ما را نماید و در عمل، با اعمال و آثار ما مخالفت ورزد از شیعیان ما نیست. شیعه ماکسی است که در زبان و قلب و عمل از ما پیروی کند.^۳

۱. ناصر خسرو.

۲. کنز العمال، ج ۳۴۱۵۱.

۳. امام صادق علیه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ أَثَارِنَا وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ أَثَارَنَا وَ عَمَلَ بِأَعْمَالِنَا أُولَئِكَ شِيعَتُنَا. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

دانشمند و گنج

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ ثُمَّ لَا يُحَدِّثُ بِهِ كَمَثَلِ الْكَنْزِ فَلَا يُنْفِقُ مِنْهُ؛ حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است که گنجی نهد و از آن خرج نکند.^۱

زکات دانش نشر آن است و اگر فردی دانش را آموخت و آن را آموزش و نشر نداد مانند کسی که گنجی را پنهان کرده و از آن بهره نمی برد.

عالم آن کس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند^۲

مؤمن و عطر فروش

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعِطَارِ إِنْ جَالَسَتْهُ نَفْعَكَ وَإِنْ مَسَّتْهُ نَفْعَكَ وَإِنْ شَارَكَتْهُ نَفْعَكَ؛

حکایت مؤمن چون عطر فروش است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با او همراه شوی سودت دهد و اگر با او مشارکت کنی سودت دهد.^۳

رفاقت و دوستی با چنین دوستانی است که آدمی را به نوک قله موفقیت و سعادت می رساند. چراکه تمام وجودش خیر و برکت است.

هم نشین و عطار

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنْ لَمْ يَجِدْكَ مِنْ عِطْرِهِ عَاقَبَكَ مِنْ رِيحِهِ؛

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۲۳.

۲. سعدی.

۳. همان، ح ۲۷۲۶.

حکایت هم نشین خوب مثل عطار است که اگر از عطر خویش به تو ندهد بوی خوش آن در تو آویزد.^۱

چه خواهی یا نخواهی کمال هم نشین در تو اثر می گذارد. هرچند او چیزی نگوید و لکن عمل و رفتار او را می بینی و می آموزی.

دانشمند و سنگ

حضرت عیسی علیه السلام: مَثَلُ عُلَمَاءِ السَّوْءِ مَثَلُ صَخْرَةٍ وَقَعَتْ عَلَى فَمِ النَّهْرِ لَا هِيَ تَشْرَبُ الْمَاءَ وَلَا هِيَ تَتْرُكُ الْمَاءَ يَخْلُصُ إِلَى الرِّزْقِ؛

مَثَل دانشمندان ناشایسته مَثَل سنگ بزرگی است که بردهانه رود قرار می گیرد که نه خود آب می آشامد و نه مجال می دهد تا آب به کشتزار برسد.^۲

شایسته است به خود نگاه کنیم تا بر اثر غفلت تبدیل به چنین سنگ و وحشتناکی نشویم. چراکه هم خویش را از راه و رسم صحیح زندگی محروم می کنیم و هم دیگران را از زندگی و حیات حقیقی بی بهره می کنیم.

دنیا و سایه

امام علی علیه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كظِلٍّ إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛

مثال دنیا مانند سایه توست، اگر بایستی می ایستی و اگر دنبالش کنی دور می شود.^۳

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۷۱۰.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۴.

۳. عیون الحکم و المواعظ، ح ۹۰۲۰.

انسان هر چه دنبال خواسته‌های دنیایی خود برود اولاً: تمام‌شدنی نیست و ثانیاً: به تمام آن‌ها نمی‌رسد و ثالثاً: رسیدن به آن‌ها سخت‌تر می‌شود و آن‌ها از او دورتر می‌شوند.

منافق و حنظل

امام علی علیه السلام: مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْحَنْظَلَةِ الْخَضِرَةِ أَوْزَاقُهَا الْمَرْءُ مَذَاقُهَا؛

مثل منافق مانند میوه حنظل است که برگ‌های آن سبز است و طعمش تلخ.^۱
منافق ظاهرش به‌گونه‌ای و باطنش به گونه دیگر است مانند هندوانه ابوجهل است؛ که ظاهرش سبز ولی مزه‌اش تلخ است.

ای‌بسا ریش سفید و دل چو قیر
ای‌بسا ریش سیاه و دل مُنیر^۲

عقل و چراغ

امام علی علیه السلام: مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ؛

مثل عقل و خرد در قلب همانند چراغ در میان خانه است.^۳
چراغ در وسط خانه همه جای خانه را روشن می‌کند ولی اگر در گوشه‌ای از خانه باشد بعضی از قسمت‌های آن را کاملاً روشن نمی‌کند. استفاده از عقل در هر مسئله موجب می‌شود که انسان همه جوانب و اطراف آن مسئله را به‌طور روشن موردبررسی قرار دهد.

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۱۰۴۸۱.

۲. مولوی.

۳. بحارالأنوار، ج ۱، ص ۹۹.

تک‌روی و گرگ

امام علی (ع): **إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ عَنْ أَهْلِ الْحَقِّ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّنْبِ؛**
حذر می‌دهم شمارا از جدا شدن (و تک‌روی)، پس همانا شخص جداشده از اهل حق نصیب
شیطان است همچنان که گوسفند جداشده (از گله) نصیب گرگ می‌شود.^۱

اجتماع مؤمنان زمینه‌ساز همفکری و همدلی آنان و قوت قلب ایمان آن‌هاست. مراقبت از
یکدیگر و تواضع به‌خوبی‌ها و ترک بدی‌ها در این اجتماعات شکل می‌گیرد کسی که تک‌روی
کند و خود را از این اجتماع و فوائد آن محروم نماید زمینه نفوذ شیطان در خود را هموار کرده
است.

انفاق و ساقه گندم

قرآن کریم: **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ**
سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به‌مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه
بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید و خدا
را رحمت بی‌منتهاست و (به همه چیز) دانااست.^۲

در دفتر حساب و کتاب الهی، شمارش پاداش انفاق را کسی جز خالق بشر نمی‌داند. اوست
که روزی می‌دهد و اوست که دوست دارد به انفاق‌کننده چنین لطفی کند. اوست که گاهی را
کوهی می‌بخشد؛ و دریای رحمت و مهربانی او بی‌پایان و بی‌نهایت است.

۱. غرالحکم، ج ۲۷۴.

۲. بقره/۲۶۱.

جوانمرد و خوش خوی و بخشنده باش
چو حق بر تو پاشد تو بر خلق پاش^۱

ربا و سنگ صاف

قرآن کریم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُثْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ
وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ
عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی
که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛
(کار او) همچون قطعه‌سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن
افشانده شود)؛ و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و
خالی از خاک و بذر) رها کند. آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و
خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.^۲

هر کس و هر چیز را در کنار خدا قرار دادن، توهین به مقام الهی است. اگر کسی به شما
بگوید: من شما و سنگ را دوست دارم، این توهین به شماست. اگر بگوید: از غذایی که
تهیه کرده‌ام، هم شما بخورید و هم گربه‌ام می‌خورد، توهین است.

یک روز تمام مسافران هواپیما را پیاده و باری را که بسته‌شده بود تخلیه کردند و گفتند: یک
موش در هواپیما دیده‌شده است. پرسیدیم: این همه مسافر و بار به خاطر یک موش باید پیاده شود؟
گفتند: بله زیرا ممکن است این موش یکی از سیم‌ها را بجود و رابطه خلبان با فرودگاه قطع شود؛

۱. سعدی.

۲. بقره/۲۶۴.

و موجب سقوط هواپیما شود. آری موش شرک، سیم اخلاص را می‌جود و رابطه بنده با خالق را قطع می‌کند.^۱

مردم و معدن

رسول خدا ﷺ: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ؛

انسان‌ها معادنی هستند مانند معادن طلا و نقره.^۲

حقیقت انسان، حقیقتی است باارزش و ناشناخته که باید همچون معدن استخراج شود و تفاوت میان انسان‌ها مانند تفاوت طلا و نقره است که در عین دوگانگی هر یک ارزشی مخصوص به خود دارند.

همه‌کس به یک خوی و یک خاست نیست ده انگشت با یک‌دیگر راست نیست^۳

زنگار قلب

رسول خدا ﷺ: إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدَأً كَصَدَأِ الثُّحَاسِ فَأَجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛

همانا قلب‌ها زنگار می‌گیرند؛ همانند زنگار گرفتن آهن؛ پس آن‌ها را با استغفار و تلاوت قرآن جلا دهید.^۴

گاهی دلم به رحم نمی‌آید، گاهی نمی‌توانم ببخشم و بگذرم، گاهی تنبلم و شاد نیستم، گاهی نمی‌خواهم خوب باشم... این‌ها برای اینکه قلب من زنگ‌زده دیگر صاف نیست تا صدای دل‌نشین

۱. تمثیلات، قرائتی، ص ۴۰.

۲. همان، ج ۵۸، ص ۶۸.

۳. اسدی.

۴. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲.

و گوش نوازش را بشنوم. تنها جسم و وسائل خانه و ماشین که نیست نیاز به تمیزی و گردگیری داشته باشد. بلکه روح و جان انسان نیز نیاز به پاکیزگی و تمیز شدن دارد.

امربه معروف و قطره دریا

امام علی علیه السلام: مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي؛ تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای در برابر دریای موج و پهناور است.^۱

امر به نیکی و نهی از بدی، شامل هر چیز خوب و نیک و هر چیز شر و بد می‌شود. از مصادیق امر به معروف: ورزش کردن، تغذیه سالم، خوب صحبت کردن، مدارا کردن، اهل گذشت بودن، سلام کردن، نیکی به پدر و مادر، احترام به بزرگ‌ترها، حجاب و... و هزاران کار نیک دیگر. از مصادیق نهی از منکر: بازداشتن از غیبت، تهمت، سوءظن، بداخلاقی، ربا،... و هر هزار کار بد دیگر.

گاهی گردوغبار روی لباس شما می‌نشیند و گاهی دوده. غبار با ضربه‌ی محکمی که بر لباس می‌زنید برطرف می‌شود اما اگر همین ضربه را به دوده بزنید، هم‌دستتان سیاه می‌شود و هم دوده به لباس فرو می‌رود، برطرف کردن دوده با فوت است و برطرف غبار با ضربه، پس هر منکری را باید به گونه‌ای خاص برطرف کرد.^۲

۱. نهج البلاغه، ح ۳۸۰.

۲. تمثیلات، قرآنی، ص ۳۴.

صدقه و نمک

امام صادق (ع): إِنَّ صَدَقَةَ النَّهَارِ تَمِيتُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يَمِيتُ الْمَاءُ الْمِلْحَ وَإِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ؛

همانا صدقه ی روز، گناه را ذوب می کند همچنان که آب، نمک را ذوب می کند و همانا صدقه شب (آتش) غضب پروردگار را فرومی نشاند.^۱

از مصادیق صدقه: انفاق، لبخند زدن به روی مؤمن، پدر، مادر و همسر است، دل شاد کردن، گره از کار دیگران باز کردن، سلام کردن، سخن نیک گفتن، کمک و یاری به مظلوم و ناتوان، آموزش علم و دانش، پرداخت زکات واجب و...

بنوش و بیوش و ببخش و بده برای دگر روز، چیزی بنه^۲

زان دو نیم است دانه ی گندم که یکی خودخوری یکی مردم^۳

تہمت و نمک

امام صادق (ع): إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَا الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ؛
هرگاه مؤمن به برادر خود تہمت زند، ایمان در قلب او ذوب می شود همانند ذوب شدن نمک در آب.^۴

۱. امالی (صدوق)، ص ۳۶۷.

۲. سعدی.

۳. مکتبی.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۶۱.

تنها به دست آوردن ایمان، مهم و کافی نیست بلکه مؤمن واقعی کسی است که آن را نگه دارد.

غربال و سخن

امام کاظم علیه السلام: لَا تَكُونُوا كَالْمُنْخَلِ يُخْرِجُ مِنْهُ الدَّقِيقَ الطَّيِّبَ وَ يُمَسِّكُ التُّخَالَةَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُخْرِجُونَ الْحِكْمَةَ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ وَ يَبْقَى الْغُلُّ فِي صُدُورِكُمْ؛

مانند غربال نباشید که آرد خوب را بیرون می‌دهد و نخاله (سبوس) را نگه می‌دارد. بدین‌سان شما نیز از دهانتان حکمت بیرون شود و کینه و ناخالصی در دل‌هایتان به‌جا ماند.^۱
 بعضی از انسان‌ها زبان‌شان حکمت دارد و دیگران استفاده می‌کنند و هدایت می‌شود ولی در دل‌هایشان از آن حکمت خبری نیست؛ و خودشان به گفتارشان عمل نمی‌کنند و رذایل اخلاقی را برای دیگران بیان می‌کنند ولی خودشان به آن مبتلا هستند. دیگران را از کینه بر حذر می‌دارند ولیکن خود در دل، کینه انباشته‌اند.

بایک نقطه، زبان زیان است^۲

بس سر که فُتاده زبان است

نکو گو، اگر دیر گویی چه غم^۳

مَزَن بی تأمل به گفتار دَم

دارو و صابون

منسوب به امام علی علیه السلام: شَرِبُ الدَّوَاءِ لِلْجَسَدِ كَالصَّابُونِ لِلثَّوْبِ يُنْقِيه وَ لَكِنْ يُخْلِقُهُ؛

۱. تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص ۵۱۰.

۲. ایرج میرزا.

۳. سعدی.

خوردن دارو در بدن اثر سوء می‌گذارد همانند صابون در جامه که چرک را می‌زداید ولی آن را به فرسودگی می‌کشاند.^۱

گاهی دارو برای سلامتی بدن نیاز می‌شود ولیکن مصرف زیادی آن نیز آسیب‌زا است؛ و ممکن است بر دیگر اعضا تأثیر منفی بگذارد.

دانشمند و کشتی شکسته

امام علی (ع): زَلَّةُ الْعَالَمِ کَانْکِسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرُقُ وَ تُغْرِقُ؛

گمراهی دانشمندان همچون شکستن کشتی است که هم خود غرق می‌شود و هم باعث غرق دیگران است.^۲

شایسته است همواره شخص دانشمند با دو بال علم و تقوا پرواز کند. علم بدون عمل و تقوا باعث نابودی خود و دیگران است.

درخت بدون میوه

امام علی (ع): عِلْمٌ بِلَا عَمَلٍ کَشَجَرٍ بِلَا ثَمَرٍ؛

علم بدون عمل همچون درخت بدون میوه است.^۳

اگر کسی علم دارد ولی بهره‌ای از علم خود نمی‌برد و این علم را جامه‌ی عمل نمی‌پوشاند مانند درختی است بدون ثمر؛ زیرا علم به تنهایی نجات‌بخش نیست بلکه عمل آن انسان را نجات

۱. همان، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ح ۴۲۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۸.

۳. تصنیف غررالاحکم و درر الکلم، ح ۲۸۱۸.

می‌دهد. بهترین قوانین اگر اجرا نشود ارزشی ندارد. بهترین نسخه اگر توسط مریض به کار گرفته نشود شفابخش نیست.

دروغ گو و سراب

امام سجاد (علیه السلام): إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يَقْرُبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يُبَاعِدُ لَكَ الْقَرِيبَ؛

از مصاحبت و هم‌نشینی با دروغ‌گو پرهیز چراکه او همچون سراب است که دور را برای نزدیک و نزدیک را برای دور جلوه می‌دهد.^۱

شخص دروغ‌گو آن‌چنان شیرین‌زبانی و با کلمات بازی می‌کند که انسان گمان می‌کند حقیقت را بیان می‌کند و آن‌چنان جذاب صحبت می‌کند که دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد. همانند سراب که هیچی و پوچی را نشان می‌دهد.

با ما کج و با خود کج و با خلق خدا کج آخر قدمی راست بیا، ای همه‌جا کج^۲

شورو و شمشیر

امام علی (علیه السلام): إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ، يَحْسُنُ مَنَظَرَهُ وَ يَقْبُحُ أَثَرُهُ؛ از مصاحبت و هم‌نشینی با انسان شرور پرهیز، زیرا او همچون شمشیر برهنه (شمشیری که از غلاف کشیده شده است) است که ظاهرش زیباست ولی نتیجه‌ای شوم به دنبال دارد.^۳

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. امثال و حکم دهخدا، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۸.

همیشه نباید نگاه ما به ظاهر اشیاء و افراد محدود شود و چه بسا اموری که ظاهری زیبا دارند ولی در باطن شری را به دنبال دارند. خداوند قرآن کریم می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». بقره / ۲۱۶.

قلب و زراعت

رسول خدا (ﷺ): لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثَرَ عَلَيْهَا الْمَاءُ؛

دل‌ها را با خوردن و نوشیدن زیاد نمیرانید همانا دل‌ها می‌میرند همچون زراعتی که آب بر آن زیاد شود.^۱

نه چندان بخور، کز دهانت بر آید نه چندان که از ضعف، جانت بر آید^۲
خدا را شکر که حس سیری را به ما عنایت کردی و معده‌ای کوچک به بنی‌بشر دادی و الا معلوم نبود سرنوشت ما چگونه بود.
ندارند تن پروران آگهی که پُر معده باشد ز حکمت تهی^۳

برتری ماه شب چهارده بر ستاره سهی

امام علی (ع): فَضْلُ الْعَاقِلِ عَلَى الْجَاهِلِ كَفَضْلِ الْبَدْرِ عَلَى السُّهَى؛

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۵۰.

۲. سعدی.

۳. سعدی.

برتری شخص خردمند بر شخص بی‌خرد همچون برتری ماه شب چهارده است بر ستاره سُهی.^۱

ستاره سُهی یکی از کم‌نورترین ستاره‌هاست که در مجموعه ستارگان دُب اکبر واقع شده است.

عبادت و شن زار

رسول صلی الله علیه و آله: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ؛

عبادت همراه با حرام‌خواری همچون ساختمانی بر زمین شنزار است.^۲

پایه عبادت، لقمه حلال است. عبادت با لقمه حرام همچون خانه‌ای که از پای‌بست ویران است.

تخته‌سنگ و مگس

رسول خدا صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ؛

همانا مؤمن گناه خود را همچون تخته‌سنگ بزرگی می‌بیند که می‌ترسد به روی او بیفتد و کافر گناه خود را مانند مگسی می‌بیند که از جلوی بینی‌اش رد شود.^۳

یکی از عوامل ارتکاب گناه کوچک شمردن آن است و اما کسی که حقیقت گناه و اثرات بسیار مخرب آن را به‌خوبی می‌شناسد از ارتکاب آن دوری می‌کند.

۱. همان، ج ۲۱۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸. ادامه روایت «قیل علی الماء؛ به قولی بر روی آب است» ثبت شده است.

۳. مکارم الاخلاق، ۴۶۰.

ادب و باران

امام علی (ع): إِنْ بَدَوِيَ الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ؛

همانا نیاز صاحبان خرد به ادب همچون نیاز زراعت به باران است.^۱

گاهی زمین کشاورزی از هر لحاظ آماده است امام چون که آب کافی ندارد. محصولاتش به بار نمی‌نشیند و ثمره‌ای نمی‌دهد. همین‌گونه شایسته است فرد دانا، خودش را به آداب و اخلاق زینت دهد. چراکه ادب به انسان شخصیت و عزت می‌دهد؛ و بر اساس ادب است که انسان مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

با ادب باش که سرمایه‌ی خوبان ادب است فرق ما بین بنی آدم و حیوان ادب است

راحت روح زنان زینت مردان ادب است آیه همه جا سوره قرآن ادب است^۲

هم‌نشین بد و باد

امام علی (ع): صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالتَّنِّ حَمَلَتْ تَنًّا؛

مصاحبت با بدان بدی بار آورد، همچون باد که اگر بر چیز گندیده بوزد بوی بد با خود آورد.^۳
دوست و همراهی با انسان‌های ناشایست، خواه‌وناخواه لباس بدی و شرارت به تن ما می‌پوشاند.

هم‌نشین بد و مسافر دریا

امام علی (ع): مُصَاحِبُ الْأَشْرَارِ كَرَائِبِ الْبَحْرِ إِنْ سَلِمَ مِنَ الْغَرَقِ لَمْ يَسْلَمْ مِنَ الْفَرَقِ؛

۱. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۴۰۶.

۲. نسیم شمال.

۳. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح ۹۸۲۶.

هم‌نشین بدان همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن جان به سلامت برد از ترس در امان نباشد.^۱

هم‌نشینی با انسان‌ها ضرور این آسیب را داد که هر لحظه ممکن است طومار زندگی آدمی را بیچند و عاقبت به شری را نصیب شخص کنند؛ و اگر از هلاکت نجات یابد. باز هم در امان نیست چرا که آدمی را با دوستانش می‌شناسند از این رو دائم در معرض تهمت قرار دارد.

علم و داروی بی‌اثر

امام علی علیه السلام: **عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ كَدَوَاءٌ لَا يَنْجِعُ**؛
علمی که نفعی نبخشد؛ مانند دارویی است که اثربخش نباشد.^۲

علم بهتر است یا ثروت؟

در این رابطه امام علی علیه السلام چنین می‌فرماید:
علم انسان را حفظ می‌کند و انسان مال را.
با انفاق از مال کم می‌شود ولی بر علم افزوده می‌گردد.
کسی که با مال و ثروت بزرگی یافته، بزرگی‌اش با زوال مال از بین می‌رود ولی کسی که از رهگذر علم بزرگی یافته، بزرگی‌اش هرگز از بین نخواهد رفت. انسان به وسیله علم، کسب طاعت می‌کند که پس از مرگ ستایش مردم به دنبال دارد.
علم حاکم است و مال محکوم.
علمای باقی هستند و مال‌اندوزان فانی.

۱. همان، ح ۹۸۳۴.

۲. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۳۴.

فراوانی مال موجب فساد دین و قساوت قلب‌هاست و حال آنکه زیاد داشتن علم و عمل، به صلاح دین و وسیله‌ای است برای رسیدن به بهشت.

علم صاحب خود را محافظت می‌کند ولی شخص ثروتمند باید از مال خود حفاظت کند.

علم میراث پیامبران است ولی مال میراث قارون و فرعون و شداد است.

صاحب علم به بزرگواری و عظمت یاد می‌شود ولی صاحب مال با بخیل، پست معروف می‌شود.

علم ترس و بیم سرقت نیست ولی در مال ترس و بیم سرقت هست.

علم باگذشت زمان همواره تازه است و طراوت دارد ولی مال باگذشت زمان کهنه و فرسوده می‌شود.

علم از صاحبش جدا نمی‌شود و با او داخل قبر می‌شود ولی مال برای دیگران می‌ماند و او را تنها می‌گذارد.

علم قلب را نورانی می‌کند ولی مال قساوت قلب می‌آورد.

کسی که علم و عمل می‌اندوزد همواره تواضع او رو به افزایش است. کسی که مال می‌اندوزد همواره تکبر او رو به افزایش است.

کسی که علم می‌آموزد دوستان او رو به افزایش‌اند. کسی که مال می‌اندوزد دشمنان او رو به افزایش‌اند.^۱

۱. به نقل از پنדהا در مقایسه‌های معنوی تشابه‌ها و تفاوت‌ها، محمود اکبری، ص ۱۷۴. انتشارات پیام

زنده در میان مردگان

رسول خدا صلی الله علیه و آله: الْعَالَمُ بَيْنَ الْجُهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ؛

دانشمند در میان مردم چون زنده در میان مردگان است.^۱

بُود معلوم هر آزاده و بنده که نادان مرده و داناست زنده^۲

حیات حقیقی انسان به دانش است؛ و افرادی که به دنبال تحصیل علم و دانش نیستند در حقیقت مرده به حساب می‌آیند؛ و مرده نیز هیچ خاصیتی بر او مترتب نیست.

قلب نوجوان و زمین خالی

امام علی علیه السلام: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ؛

دل نوجوان همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود آن را می‌پذیرد.^۳

نوجوانان برای دریافت مطالب و هدایت آماده‌ترند مانند زمین خالی و حاصلخیزی که آماده پذیرش هرگونه بذر و نهال است.

دنیا و آب‌شور دریا

امام کاظم علیه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛

مثل دنیا همچون آب دریاست، هر چه تشنه‌ای از آن بیشتر بنوشد تشنه‌تر می‌شود تا جایی که

او را به هلاکت می‌رساند.^۴

۱. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. جامی.

۳. تحف العُقُول، ص ۷۰. در ادامه روایت چنین آمده «فَبَادَؤُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ».

۴. تحف العُقُول، ص ۳۹۶.

ثروت و مال و مقام دنیا تمامی ندارد. فرد حریص هر آنچه داشته باشد بازهم در حال دویدن است. تا شاید در آینده در آسایش به سر برد غافل از اینکه این دوندگی خط پایان ندارد و آینده نیز بر هیچ کس روشن نیست و چنین شخصی اگر اهل قناعت نباشد به زودی خودش را غرق و به هلاکت می‌رساند.

هم‌نشین و وصله

امام علی ۷۱۲: الصَّاحِبُ كَالرُّفْعَةِ فَإِتَّخِذْهُ مُشَاكِلاً؛

هم‌نشین مانند وصله است پس همانند آن را انتخاب کن.^۱

برای وصله لباس باید از پارچه‌ای استفاده کرد که با جنس و رنگ لباس تناسب داشته باشد و گرنه آن وصله به چشم می‌آید؛ و موجب ناهماهنگی است باید در انتخاب هم‌نشین مانند همسر و دوست نیز خصوصیات اخلاقی و رفتاری او را در نظر گرفت و کسی را انتخاب کرد که با انسان سنخیت داشته باشد و گرنه شاهد عدم تفاهم و ناهماهنگی در روابط خواهیم بود.

مانند آفتاب و ماه

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى عِيسَى ۷۱۲: أَنْ كُنْ لِلنَّاسِ فِي الْجِلْمِ كَالْأَرْضِ تَحْتَهُمْ وَفِي السَّخَاءِ كَالْمَاءِ الْجَارِي وَفِي الرَّحْمَةِ كَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ فَإِنَّهُمَا يَطْلَعَانِ عَلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛

خداوند به حضرت عیسی ۷۱۲ وحی فرمود: در بردباری نسبت به مردم، مانند زمین زیر پای آن‌ها باش و در سخاوت مانند آب روان و در مهربانی مانند آفتاب و ماه باش زیرا این دو بر نیکوکار و بدکار یکسان می‌تابند.^۲

۱. همان، ح ۹۷۱۳.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۰.

در برخورد خود با مردم و صبوری در مقابل بدرفتاری‌های مردم مانند افتاده و متواضع و صبور باشیم که همه بر آن پا می‌کوبند ولی همه را تحمل می‌کند؛ و در سخاوت مانند آب جاری باشیم که به هر جا بگذرد بدون هیچ چشم‌داشتی طراوت و زندگی ارزانی می‌کند؛ و در مهربانی مانند خورشید و ماه باش که مهربانی و لطف خود را از هیچ‌کس دریغ نمی‌کنند و به نیکوکار و تبهکار می‌تابند.

سخن و شمشیر

امام علی علیه السلام: رَبِّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ؛

بسا سخنی که همانند شمشیر (بُرنده) است.^۱

هست تیغِ زبانِ ز تیغِ بَتر کاین خورد بر تن، آن خورَد به جگر^۲
آدمی زاد همواره شمشیری دو لبه به همراه خود دارد. می‌تواند با سخن و گفتارش آتشی را خاموش کند؛ قهری را به آشتی کشاند؛ جدایی را به وصل برساند؛ غم را به شادی کشاند و می‌تواند برعکس باشد.

انسان و ظرف سفالی

منسوب به امام علی علیه السلام: كَمَا تُعْرِفُ أَوَانِي الْقَخَّارِ بِأَمْتِحَانِهَا بِأَصَوَاتِهَا فَيَعْلَمُ الصَّحِيحُ مِنْهَا مِنَ الْمَكْسُورِ كَذَلِكَ يُمْتَحَنُ الْإِنْسَانُ بِمَنْطِقِهِ فَيَعْرِفُ مَا عِنْدَهُ؛

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۰۳۹.

۲. مکتبی.

همان‌طور که ظرف‌های سفالین را با صداهایشان می‌آزمایند و سالم را از شکسته تشخیص می‌دهند انسان نیز با سخنش آزموده می‌شود و آنچه نزد اوست معلوم می‌گردد.^۱

معیار عاقل یا نادان بودن انسان، سخنان او است. نه به پُست و مقام و ثروت و ظاهر و خاندان او.

آن‌کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست و آن‌کس که مرا گفت نکو خود نیکوست
حال متکلم از کلامش پیدا است از کوزه همان برون تراود که در اوست^۲

دارو و کشنده

امام علی (علیه السلام): الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يُنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛
سخن چون داروست، اندکش سود می‌بخشد و بسیارش کشنده است.^۳

دارو را به اندازه نیاز باید مصرف کرد؛ سخن هم باید به اندازه نیاز باشد.

دارو را باید در وقت مناسب مصرف کرد؛ سخن را نیز باید در موقع و زمان مناسب مطرح نمود.

بعضی داروها تلخ و بعضی شیرین است؛ سخن نیز گاهی تلخ و گاهی شیرین است.

همان‌گونه که داروی تلخ را در لفاف یا لعاب شیرین قرار می‌دهند (مانند کپسول)؛ سخن به‌ظاهر تلخ را (مانند سخن حق) باید در لفاف مطرح نمود و تا جان شخص پذیرای آن باشد.^۴

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ح ۳۶۳.

۲. شیخ بهائی.

۳. همان، ح ۴۰۸۱.

۴. پنדהا در مقایسه معنوی تشابه‌ها و تفاوت‌ها، محمود اکبری، ص ۲۲۰.

سخن و هیزم در شب

امام علی (علیه السلام): لَا تَكُنْ فِيَمَا تُورِدُ كَحَاطِبٍ لَيْلٍ وَ غُنَاءٍ سَيْلٍ؛

در ایراد سخن چون هیزم چین شب و کف و خاشاک روی سیل مباش.^۱

جمع کنند هیزم در شب در اثر عدم دید کافی ممکن است هر چیز خوب و بدی را جمع نماید و نیز سیل ممکن است هر چیز بارزش یا بی ارزش را با خود بیاورد و این حدیث توصیه می فرماید که سخنگو باید مراقب باشد و فقط کلام صحیح و مفید بر زبان جاری کند و مانند این دو خوب و بد را در هم نگیرد.

عبادت و الاغ آسیاب

امام علی (علیه السلام): الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ؛

عبادت کننده بدون دانش چون الاغ آسیاب است که به دور خود می گردد و خلاصی و رهایی ندارد.^۲

عبادتی انسان را به کمال الهی نزدیک تر می کند که با بصیرت و آگاهی به احکام و ضوابط آن باشد.

مؤمن و آب سرد

امام صادق (علیه السلام): إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمْآنُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛

مؤمن در نزد مؤمن آرامش می یابد، همچنان که انسان تشنه با آب سرد آرام می شود.^۳

۱. همان، ح ۱۰۹۶۹.

۲. الاختصاص، ۲۴۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۷.

مؤمن به دلیل ایمان واقعی که به خداوند دارد از یک طمأنینه و آرامش برخوردار است و افرادی که با او در ارتباط هستند. آن آرامش قلبی او در دیگران تأثیر می‌گذارد با سخنان صحیح و عمل درست و روحیه امیدوارکننده‌ای و حتی نورانیت و صفای باطنی که دارد آرامش را در قلب دیگران وارد می‌کند مثل انسان تشنه که وقتی از آب سرد می‌نوشد دلش آرام می‌گیرد. نیز صرف وجود مؤمن باعث برکت و آرامش است.

مؤمن و ساختمان

رسول خدا ﷺ: الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضاً؛

مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که قسمتی از آن دیگر را قوت می‌بخشد و نگه می‌دارد.^۱

مؤمن باید به‌گونه‌ای باشد که برادر مؤمنش با بودن او امنیت و آرامش بیشتری داشته باشد. همانند ساختمان که اجزای یکدیگر را نگه می‌دارند.

مؤمن و آئینه

امام علی (ع): الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ؛

فرد مؤمن آئینه مؤمن است^۲

چون که مؤمن آینه‌ی مؤمن بود
روی او ز آلودگی ایمن بود^۳
از این حدیث و گوهر بار و زیبا ۲۲ نکته ظریف می‌شود آموخت:

۱. جامع الاخبار (شعیری)، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۱۷۳.

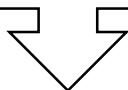
۳. مولوی.

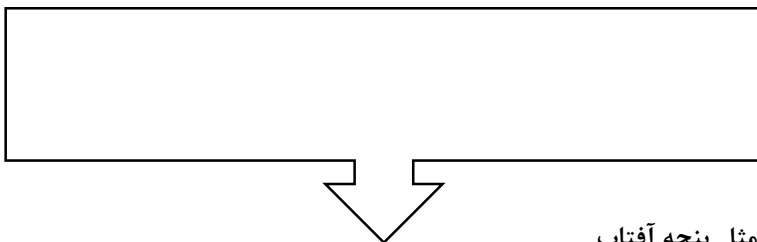
آینه عیب را می گوید. موبه مو می گوید. با وضوح تمام می گوید نه با کنایه و ابهام. بی صدا می گوید. عیب را بی غرض می بیند و می گوید. خوب و بد را باهم می گوید محسوسات را می گوید (آنچه را دیده می گوید)

عیب نمایی آینه از روی خیرخواهی است نه به هدف تنقیص و ضربه زدن. در گفتن خجالت نمی کشد. عیب را که دید در حافظه نگه نداشته فراموش می کند تا مگر دوباره ببیند. به همه یکسان می گوید. هر بیشتر نزدیک شوی بهتر می گوید حال را می گوید نه گذشته یا آینده. آشکار و واضح می بیند (برای دیدن من کنجکاوی نمی کند)

شرط دیدنش صافی صداقت است. همه وقت می گوید. همه را می بیند دوست و دشمن. یقین ترین چیزها را می گوید از نشان دادن خسته نمی شود. هیچ کس از آینه آزرده نمی شود. کمک به اصلاح می کند. اگر شکسته شد باز نشان می دهد. (به نقل از مرحوم حسن عرفان)

مَثَل‌هایی از پارسیان





مثل پنجه آفتاب

کنایه از آدم بسیار زیبا و دلربا.

مثل آبی که روی آتش بریزند.

در موردی که بسیار سریع اثر کند مانند خوردن دارو برای بیمار و یا پاسخ ناامیدکننده‌ای در پاسخ به سؤالی کسی.

مثل اجل مُعَلَّق

به ناگاه وارد شدن یا رسیدن.

مثل اینکه پی آتش آمده

بسیار عجله و شتاب دارد، هنوز نیامده می‌خواهد برگردد.

مثل آب و آتش

بہ ہم دانا و نادان کی بود خوش کجا دمساز باشد آب و آت
(ناصر خسرو)

مثل جن و بسم الله

دو چیز یا دو کس کہ ہرگز نزدیک ہم نیایند و از یکدیگر فراری باشند.

مثل سیبی کہ از وسط نصف شدہ

دو چیز یا دو شخص کہ دقیقاً و کاملاً مثل ہم باشند، شباهت فراوان دو چیز یا دو نفر.

مثل شیر مادر، پاک و حلال.

وقتی بخوایم بہ حلال و پاک بودن مالی یا غذایی اشارہ کنیم از این مثل استفادہ می کنیم.

مثل قالی کرمان است؛ ہر چہ پا بخورد، بہتر می شود.

ہنگامی کہ بخوایم از نشاط و شادابی کسی تعریف کنیم کہ در این فشارہای زندگی، ہنوز خم بہ ابرو نیاوردہ و پژمردہ و پیر شدہ و حتی ہر روز نیز جوان تر و شاداب تر می شود از این مثل استفادہ می کنیم. همانند قالی کرمان کہ ہر چہ رویش راہ بروند محکم تر، بادوام تر و زیباتر می شود.

مثل کبک سرش را زیر برف کرده!

اشاره به آدم‌هایی است که عیب و نقص خود را نادیده می‌گیرند و گمان می‌کنند که دیگران هم عیب‌های آنان را نمی‌بینند و نیز هر وقت کسی چیزی به نفعش نباشد خودش را به کری و لالی و کوری می‌زند که گویا من نه دیدم نه شنیدم و نه گفتم.

مثل کشتی بی لنگر می‌ماند!

اشاره به کسی که ثابت قدم نیست و آرامش و سکون ندارد و هر لحظه به دنبال کاری یا کسی می‌رود. به تعبیری جز اصحاب باد است. باد به هر طرف وزید او هم همراه باد می‌شود.

مثل ماست مختار السلطنه است، نگاه کنی ماست است؛ بخری دوغ است؛ بخوری

آب است.

در نگاه اول زیبا و مفید و مطلوب است ولی بعد معلوم می‌شود که دروغ و بی اساس بوده است.

مثل مار خوش خط و خال

کسی که ظاهری خوب و فریبنده اما باطنی زشت و پلید و بد ذات دارد.

مثل شیر و شکر

آن چنان بامحبت و عشق به هم آمیخته‌اند که محو یکدیگر شدند.

مثل مرغ سرکنده

کلافه، بی آرام و قرار، پریشان و مضطرب.

مثل بازار شام

اشاره به بی‌نظمی و درهم بودن چیزی یا مکانی است.

مثل بازار مسگرها

وقتی جایی شلوغ و پرسروصدا باشد. به‌طوری‌که صدای نزدیک‌ترین کس را نشنوی از این مثل استفاده می‌کنند.

برای ساختن ظروف مسی نیاز به چکش‌کاری ظریف و زیاد است تا ظرف شکل و نقش و نگار گیرد.

مثل بند تُنْبان کوتاه است تا ولِ کُنی در می‌رود.

برخی آدم‌ها نمی‌توانند یکجا باشند و دائم در حال حرکت و این‌طرف و آن‌طرف هستند؛ و معمولاً دنبال کارهای شخصی خود می‌روند و از زیر بار مسئولیت گروهی و جمعی فرار می‌کنند.

مثل پیاز هفت پوست دارد

آدم درون‌گرا و توداری است. از خودش کم‌تر حرف می‌زند و بسیار رازدان و مرموز است.

مثل سرکه هفت‌ساله

بی‌نهایت‌ترش و بداخلاق و اخمو

مثل سیب‌زمینی

بی‌رگ و بی‌غیرت.

مثل ریگ ته جوی است.

جوی آب، هم سنگ دارد و هم آب. آب می‌گذرد و می‌رود؛ اما سنگ‌ریزه‌های ته آب باقی می‌ماند. اگر شخصی مدت‌ها درجایی یا در پست و موقعیتی باقی بماند؛ درحالی‌که اطرافیان او مدام تغییر کنند و بپایند و بروند از این مثل در مورد او استفاده می‌کنند.^۱

مثل سوزن در انبار کاه!

هنگامی‌که یک شیء کوچک درجایی وسیع و شلوغ گم شود از این مثل استفاده می‌کنند و نیز به کم‌ارزش بودن یا کوچک بودن موضوعی در کنار موضوعات مهم‌تر به کار می‌رود.

در مَثَل مناقشه نیست

وقتی بخواهیم مطلبی را برای کسی روشن و آشکار کنیم از مثال استفاده می‌کنیم؛ و آن وقت مثل را می‌گوییم تا اگر مثلی خوبی نزده باشیم شنونده آن را به خود نگیرد و برداشت به خود نکند.

شکر که این نامه به پایان رسید *** پیشتر از عمر به پایان رسید

(نظامی)

کتاب نامہ

- فوت کوزہ گری، رحماندوست، مصطفی، انتشارت مدرسه، تهران، ۱۳۸۹.
- احادیث تصویر و نمایشی، گروهی از نویسندگان، انتشارت قدس، قم، ۱۳۹۹.
- مثل های آسمانی، اسعدی، علی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.
- امثال و حکم دهخدا، علی اکبر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
- پندها در تشابه ها و تفاوت ها، اکبری، محمود، انتشارت پیام مهدی، قم، ۱۳۸۶.
- تمثیلات حجت الاسلام قرائتی، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.